ندای حق

این روزنامه دارای آیات قرآنی است آنرا محافظت کنید

سال ۲۲- شماره ۴۳-۴شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۵۱- ۲۰ صفر المظفر ۱۳۹۲-شماره مسلسل ۱۱۲۳

ستمکارتر از آن کیستکه اول بآیات خداوند متذکر شده، سپس از آن دوری جست و اعمال خود را فراموش کرد، ما پردهٔ دلهای آنها را کشیدیم و گوششانرا سنگین کردیم تا حقایق را درك نکنند -

اگر تو با تمام قوا آنانرا بسوی هدایت و سعادت دعوت کنی نتیجه نمیگیری و آنها تا ابد در گمراهی هستند. آیه ۵۷ سوره کهف

هر کس برای خداوند عزوجل علم بیاموزد بهر بابیکه از علم برسد در نفسش تواضعی بمردم زیاد میشود و بنزد خودش فواره‌ئی و برای خداوند ترسی و در راه دین کوششی، این چنین دانشجویست که از علمش سود میبرد و بدیگری نیز تعلیم میدهد - هر کس دانش را برای دنیا و منزلت نزد مردم تحصیل کند و نزد بزرگان بهره‌ای داشته باشد در نفس خود عظمت می‌بیند و بنزد مردم بزرگی میفروشد و بخداوند مغرور میشود و در دین جفا میکند این چنین کس از علم سودی نمیبرد و در قیامت پشیمانی بار میاورد محمد رسول الله

کی بهوش خواهیم آمد؟

اسلام انتظار کمك از مسلمین دارد

بسم الله الرحمن الرحیم - الم یأن للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذکر الله وما نزل من الحق ولا یکونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم وکثیر منهم فاسقون)

ترجمه این آیه مبارکه آیا وقت آن نشده است که دل ایمان آورندگان از خدا بترسد، وقتی که نام حق وقرآن بر آنها خوانده شود، تمامی مردم مانند اقوامی نباشید که قبل از شما کتاب بر آنها نازل شد ولی آنان زبان درازی نموده ودلهایشان باقساوت سخت شده وبسیاری از آنها فاسق گشتند وتبهکار شدند) این آیه برای ملت اسلام از مصدر وحی پروردگار به پیغمبر عالیقدرما نازل گشته واو بملت خود اعلام نموده که ای مردم مسلمان بهوش آیید وهشیار بشوید و آیات الهی را بشنوید وبکار بندید آیا وقت آن نرسیده که ما ملت شیعه وپیرو علی ولی الله دلهایمان از خدا بترسد واعمالمان طبق دستور اسلام اصلاح شود؟ ما برای اسلام و قوانین قرآن چه کرده‌ایم؟

بقیه در صفحه ۴

در مذمت عجب و خود خواهی

این صفت مردود و مذموم است

درباب افتخار ومباهات شرحی در شماره گذشته نوشتم و این صفت چه بسا بعجب وخودآرائی وخود فروشی منتهی می‌شود- صاحب آن از حدود تواضع و تکریم، بعجب و تکبر و تبختر دچار می‌شود- او دیگر کسی را در برابر خود آدم محسوب نمیدارد، تصور میکند که همه باید ملازم وخدمتگذار او باشند، او اگر مال داشته باشد ویا اگر حسن وجمال داشته باشد ویا صفت وعلمی دارا باشد که در فن خود بی رقیب باشد شاید خویشتن را یگانه دهر وفرید عصر بداند وچه قدر بد است این صفت عجب وتکبر که خداوند و رسول بزرگوار وائمه دین همه این صفت را نهی فرموده ومذمت نموده‌اند. بقول شاعری که گفته،

(برمال وجمال خویشتن غره مشو
کانرا بشی برند وایترا بتبی)

چه بسیار مالدارها و متمولین ثروتمندان که پس از چندی تهیدست شدند

بقیه در صفحه ۴

بقلم، آقای حسین عمادزاده

اربعین و سنت اسلامی

از آثار برجسته قیام حسینی وتشکیل وتجدید روز مجد وعظمت و تجلیل وتکریم متوفی وشهید درروز چهلم از درگذشت اربعین است واربعین چهلم شهادت پسر پیغمبر خداست که فاجعه عظمی او دردهم و عاشورای محرم رخ داد واین قولی است که مورد اتفاق کلیه مورخین است وروز اربعین بنابر توصیه پیغمبر خدا (ص) **بجابر بن عبدالله انصاری روز زیارت امام حسین در کربلا بر مزار آن بزرگوار است اربعین روز تاریخ و انقلاب و روز مجد و عظمت و روز زیارت شهداء ومنشاء یکسلسله حوادث تاریخی است که ۱۳۳۲ سال از آن تاریخ میگذرد.**

اربعین سنتی است در اسلام برای زیارت شهدای راه آزادی و برای اموات مسلمین ومومنین ومسلمات ومؤمنات روزیست که باید زنده‌ها درباره مرده‌ها شهادت دهند که چگونه بوده است وبرای نسل آینده سرمشقی شود تا راه خیر و سعادت و توحید وعمل صالح را پیش گیرند.

شیخ صدوق ره - در کتاب خصال درباب اربعین میفرماید،

بقیه در صفحه ۲

نگارش، آقای محمد جناب زاده

برگهای تاریخی

از سال دهم هجری تا سال شصت و یکم هجری؟!

رسول اکرم (ص) برای آخرین بار در سال دهم هجری بزیارت خانه خدا آمد و در این هنگام یکصد و بیست هزار نفر از تمام عربستان در مکه جمع شده بود- این جمعیت انبوه وعظیم در دره (منا) دور او حلقه زدند. گویندگانی بودند که سخنان پیامبر را بدیگران با صدای بلند می‌رساندند تا اینکه همه بشنوند - بیانات مردیکه با شخصیت عالی به فرمان الهی بر منبر قرون واعصار عروج نمود و در مدت ۲۳ سال نبوت جز رنج ومشقت از این مردم چیزی ندید. از نوادر زنده و گویای زمان است وقرنها می گذرد در گوشها صدا میکند ندا می‌دهد باوجدان وفطرت وعقل ملکوتی انسان سخن میگوید.

«ای مردم در خاطر بسپارید که شما نسبت بزنانتان حقوقی دارید و آنها نیز نسبت بشما

بقیه در صفحه ۴

نگارش، از غلامحسین حسینی زاده نجفی

توجهی بعظمت خلقت

نگاهی به شگفتیهای جهان نباتات

از دیدگاه - زیست شناسی - گیاه شناسی - تشریح گیاهی - فیزیولوژی - هیستولوژی - سیتولوژی اکولوژی گیاهی به دنباله شماره‌های پیشین

آیا هیچ برای شما خواننده عزیز اتفاق افتاده است؟ یك برك ناچیز ویك برك سبز خشکیده ایکه از درخت افتاده، از زمین با نوازش ودستهای پرمرحمت خویشتن بردارید وبادقت نظر باو بنگرید وآنرا بشکافید وبه آفاز حیاتی آن مختصری بیاندیشید؟

آیا میدانید آن برك وهزاران مانند آن که زیر لکدهای غرور آموز من وشما خرد میشود وخروارها از آن پراکنده ودر زیر خاك پنهان میگردند، همان برك بی ارزش را خداوند بزرك زندگی وحیات داده وچه فوائد وخواصی در آن موجود است که درك آن باعقل کوتاه ما میسور نیست.

خواننده گرامی- ناراحت نباشید-

بقیه در صفحه ۲

نگارش، آقای حسین اخوان کاشانی

چرا واقعهٔ کربلا شعله می کشد؟

یك تحقیق عمیق دربارهٔ جنگ خونین عاشوراء

پیغمبر اسلام دریکی ازجنگها ئیکه بامردم یهود نمودند یهودیان در قلعه محکم خود پناهنده گردیدند ومسلمانان را بدامن آنان دسترسی نبود ودر نتیجه چند روزی درخارج قلعه معطل شدند وبرای غلبه بر دشمن چاره میاندیشیدند درچنین لحظات حساس یکی از افسران ارتش اسلام بعرض پیغمبر رساند که آب آشامیدنی ساکنین این قلعه ازخارج قلعه میرود. ومامیتوانیم با پیدا نمودن مجرای آب، مردم این قلعه را درمحاصره تشنگی قراردهیم پیغمبر فرمود هوچگاه اجازهٔ انجام چنین عملی رانخواهم داد دراین قلعه پیرمردان، پیر زنان، مرضی، زنان، کودکان حیوانات وجود دارند چرا آنها رادر فشار تشنگی قراردهیم آنها که با ما نبرد ندارند.

درجنگ صفین پیش از آنکه ارتش امیرالمومنین وارد جایگاه خود گردد.

بقیه در صفحه ۴

بقلم آقای سید جواد فاطمی

دوستی و عشق الهی

رمز خوشبختی در زندگی

ساعتی با امام حسین (ع): بقیه دعاء «امام شناسی از لحن سخن»

خدای من، ذلت ومسکنتم در پیشگاه تو آشکار است وحال تیامن بر تو پنهان

بقیه در صفحه ۴

اربعین حضرت سید الشهدا (ع)

مراجعت اهل بیت طهارت بکربلا

در این دهه دوم ازماه صفر بواسطه اربعین حضرت اباعبدالله الحسین (ع) مجالس تعزیه‌داری وروضه‌خوانی بشدت معمول وبرقرار است شیعیان آن جناب درهمراهی آن جناب ازهر گونه اقدامی مضایقه و فروگذاری ندارند. روایات و اخبار درخصوص اربعین حضرت حسین بن علی (ع) بسیار است وزیارت آن حضرت درآنروز بسیار ثواب دارد - روزجمعه امروز چهلمین روز شهادت آنسرور است باید کوشش نمود تا ازثواب آن برخوردار شویم واینکه نوشته ویا گفته‌اند که روز اربعین حضرت زین العابدین و عمه‌اش حضرت زینب بکربلا رسیدند وقبر امام سوم

بقیه در صفحه ۲

نگارش، آقای سید اسدالله روحانی زاده

جشن زناشوئی

در این عصر بصورت زشتی درآمده!

بهترین جهیزیه برای دوشیزگان باید عفت و تقوی و پاکدامنی باشد

کیست که نداند که یگانه وسیله سعادت وتنها نگهبان جمعیت مسلمین تشکیل خانواده صحیح است و موضوع ازدواج و

بقیه در صفحه ۲

سه چیز است که بنده بوسیله آن خواسته‌های دنیا وآخرت را بدست می‌آورد:
صبر بر بلا - رضا بقضا - دعا درحال فراخدستی
محمد رسول الله

با نیکان مجالست کن که اگر خوبی کردی تو را ستایش کنند و اگر خطا کردی با تو بسختی رفتار نکنند.
محمد رسول الله

قم، از آقای محمدعلی روحانی گرگانی

در تقویت دین مرد و زن ندارد

دختران در خدمت مذهب

امروزه برای پوسیدن ستون‌های اصلی جامعه عوامل متعددی وجود دارد- اگرچه پوسیدن را به پوسانیدن تعبیر کنیم دل چسب‌تر است زیرا اکثریت در کار پوسانیدن فضیلتها و خوبیها هستند وعده

بقیه در صفحه ۳

بهداشت در اسلام

از طب الصادق، امام ششم (ع)

دستوراتی در باره خواب و آسایش

خواب آسایش بدن است و سخن گفتن آسایش روح وسکوت راحتی خرد است. در آنچه صلاح بدنست اسراف نیست.

اسراف در چیزهائیست که موجب اتلاف مال یاضرر بدن باشد.

اسراف زیاده روی در خوردن و پوشیدن وتشریفات غیرلازم در زندگی است. بطوریکه از حد میزان معقول بگذرد و نقطه مقابل آن اقتصاد است. مسرف کسی است که دراستعمال خوراك

بقیه در صفحه ۳

سه چیز چشم را قوت می‌دهد:
دیدن سبزه.
آب جاری.
روی خوب.
محمد رسول الله

نگارش، آقای علی صحت

وفای به عهد

نمونه‌ای از جوانمردی و از خودگذشتگی

سکوتی عمیق وغمبار برچهره‌های حاضرین نشسته وهر لحظه انتظار دارند که این قضیه به کجا خواهد انجامید، آیا حقیقتاً این جوان را باید بکشند؟

هنوز اززندگی بهره‌ای نبرده درحالیکه سرپرست چند کودك یتیم ویك بیوه زن پیراست.

خلیفه، پس قضیه روشن است واینك باید این جوان را اعدام کرد وغرامت شتر را گرفت وبه صاحب آن داد.

خالد، خلیفه اینك که چنین شد بمن اجازه دهید من بروم و سرنوشت زندگی برادران ومادرم را معین کنم وقرضهای خود را پرداخت نموده وازعده ایکه به من

بقیه در صفحه ۲

گردآورنده - ج- مرتجی

سیری در مطبوعات

مطبوعات: سقط چنین در آلمان شرقی آزاد شد.

ندای حق: خدا کند به ایران ما سرایت نکند وبرفسادامن نزند.

مطبوعات: با خانه تکانی عید اندوه وگرد وخاك را بیرون می‌ریزند.

ندای حق: گرد وخاك را بحلقوم مردم می کنند.

مطبوعات: ۱۷ نوزاد سر راهی در رضائیه پیدا شده است.

ندای حق: گویا رضائیه از این

بقیه در صفحه ۳

قیمت شراب حرامست.
مزد زناکار حرامست.
قیمت سك حرامست.
محمد رسول الله

اربعین وسنت اسلامی

قال(ص) اذامات المومن فحضر جنازته اربعون رجلامن المومنین فقالوااللهم انا لانعلم منه الاخیرا وانت‌اعلم به مما قال‌الله تبارك وتعالی انه‌قد اجزت‌شهادتکم وغفرت‌له ماعلمت مما‌لاتعلمون .

یعنی‌چون‌مؤمنی‌بمیرد وچهل مردمؤمن برجنازه‌او حاضرشوند وبگویند بارخدایا جزنیکی ازاو نمیدانیم وتو باوازما دانائری خداوند تبارك وتعالی خطاب‌میفرماید من گواهی شمارا درباره اوپذیرفتم و آنچه شمااز او میدانید و نمیدانید آمرزیدم

این عمل درنماز میت‌تادفن وبرمزار وقبراو روزاول‌ودوم وسوم‌یاهفتم‌و چهلم وسال معضی‌وجاریست .

اما چهلم امام حسین روز اربعین روز زیارت شهدای کربلاست‌که عالماً عامدا باعلم بکشته شدن درراه هدایت و ارشاد خلق قیام کردند.

تا سعادت و فضیلت وکمال وانسانیت‌را بمردم جهان بیاموزند و بگویند زندگی اگراین حاصلش باشد ارزنده‌است دگر مرك باشرافت بهتراز زندگی ننگین است.

اربعین دردوران ۱۳ قرن‌تحولات گوناگونی‌یافته‌است‌که درتاریخ کربلای امام حسین(ع) نوشته‌ام .

اربعین روز ارتباط‌احیاء باموات‌وروز مواجهه‌زندگان با مردگان و شهداء و نظام ارتباط دنیا باسرای دیگر است . اربعین روزیست‌که پاکترین نسل بزرك پیامبران برای مجدو عظمت و پایداری اسلام قیام‌کرد و فداکاری نمود تا برنامه

دین‌اسلام را برنگ‌خون برصحیفه روزگارنقش بست‌که هرگزفراموش نمیشود سنن پیغمبراسلام بسبب‌زیارت اربعین‌امام حسین‌دردنیا تعلیم‌شد وثبات یافت‌و دنیابدان آشنائی اربعین‌امام حسین‌روز انقلاب‌فکری مردم مسلمان جهان‌است که یك‌سربزرگی واقف‌میگردند وآن حقیقتی‌است‌که امام‌صادق(ع) برابر قبر امام‌حسین سیدالشهداء روحی‌فداه ایستاد و عرض‌کرد یابی‌انت‌وامی یااباعبداله

اشهدانك قداقمت‌الصلوات و آتیت‌الزکوة و امرت بالمعروف ونهیت‌عن‌المنکر- تا آنجاکه‌فرمود: حتی‌اتیك‌الیقین- پدر و

مادرم فدای‌تو ای‌بزرگواری‌که برای‌پایداری اسلام‌وقرآن وشریعت قیام‌کردی توحشتی‌که نمازرا بپاداشتی وزکوة رابرای‌حفظ و توسعه‌مال‌وجان پرداختی‌وامر بنیکی‌نمودی ونهی ازبدی‌کردی تاآنجاکه‌خون‌پاك‌خود رابرای احیای شریعت جدت رسول‌خدا (ص) ریختی .

این فرایض سنن اسلام است‌که دشمنان اسلام‌داشتمنداز

بین می‌بردند ویزید میگفت‌اگرشراب خوردن بدین محمد (ص) حرام‌است من بدین‌عیسی میخورم ورسماًسفره‌قمار وشراب خواری‌وزنا وسك‌بازی اودرمجالس رسمی خلافتی برقرار بود .

امام حسین (ع)قیام‌کرد تا نشان‌دهدکه این نفوس‌خبیثه شریره خلیفه پیغمبر خدا نیستند وبجای آنکه دین را بمردم بیاموزند دین‌را ازبین می‌برندوقیام امام‌حسین (ع) وانقلاب فکری اودر سلسله انقلابات‌جانبازی وفداکاری او برای‌همین بود که ده سال در پیرامون خونخواهی او چهار صد هزار نفرکشته شدند .

توجهی بعظمت

دراین موضوع‌گیاه شناسان ودانشمندان معاصرنیز باما همدردند زیرا آنان‌با آنهمه کتابها ونوشته‌ها که راجع به آزمایش نباتات‌نوشته‌اند وباوسائل‌علمی ومیکروسکپ‌های قوی یاخته‌های‌آن و یا آزمایش‌ها ترکیبات آن ویا اعمال شیمیائی‌محتویات آن وبابرق وحرارت خواص‌آن راسنجیده‌ودرتحقیق‌آن‌رنجها برده‌اند بازهم زانوزده‌وباصدای رساو بلندازاعماق‌دلها میگویند- مانمیدانیم! نمیدانیم! ماهنوز در حقیقت هیچ‌رمزی ازاسرار زندگی نهفته‌در نباتات‌رادرك ننموده‌ایم یکمرتبه‌دیگر سطور فوق را بخوانیداگر تعجب‌کردیدعنایتی‌بفرمائید ودوسه قدمی‌به‌شهر فکروانديشه مضمون حدیث شریف منقول‌از پیامبراکرم(ص) (تفکر ساعة خیرمن‌عبادة سنه) (ساعتی فکردرباره‌نظام اموربهتراست ازعبادت یکسال)گام نهید ودر آنشهر باصفابه کنارنهرآبی بنشینید وبه‌اطراف‌واکناف که سرزمینی‌است سبزوخرم‌نظر بوفکنید وبادیده‌تحقیق‌به‌آن‌همه‌آثارشگفت‌انگیز طبیعی‌بنگریدحتماً بدانیداًنگاه‌باچهره‌ای بشاش‌ودرعین‌حال همراه‌باحیرت‌واظهار عجز وناتوانی- توأم‌بالبخندی‌مهرآمیز، گفته آنان راتصدیق میکنید وخواهید گفت بله... بله...صحیح است- بهرحال مادراینجا می‌پردازیم به نقل‌مختصری از شگفتیهای نباتات- در نظراستکه بخواست‌خدا پس ازپایان این‌مبحث‌نیز نگاهی به‌عالم‌حیرت انگیز حیوانات- ودنیای‌انسان بنمائیم- زماهمت وزخدا توفیق . ناتمام

تصحیح

این اغلاط را در مقاله گذشته (توجهی بعظمت‌خلقت) اصلاح فرمائید، درصفحه‌دوم ستون اول سطر نهم (کربن گیری‌علمی‌است)غلط (کربن گیری‌عملی است) صحیح‌است‌درهمان ستون‌سطر۱۹ (به‌بتی‌که درحالت بیماری) غلط و(به تبی‌که درحالت بیماری) صحیح‌است-در همان ستون سطر ۲۶- پیوسته درگیاه تولید) غلطو (پیوسته درگیاه تولید) صحیح است.

کتابهای‌مفید

قهرمانان‌اسلام جلد۲و۳	۱۸۰	ریال
دیوان‌صبح‌بهار	۱۵۰	«
خرد درامامت	۱۵۰	«
معراج	۱۵۰	«
پیغمبر ویاران	۱۲۰	«
دررهگذر کوفه‌وشام	۱۰۰	«
اصول‌دین‌ومذهب‌بادلیل	۵۰	«
تحفة‌الدارین	۴۰	«
صدیقه کبری	۲۵	«
ماجرای‌سقیفه	۳۵	«
تاریخ جهادخیبر	۵	«
نهج‌البلاغه‌جیبی	۲۵	«
الادعیةوالتهلیلات	۳۰	«
پیشرفت‌اسلام	۱۵	«
اسلام‌وکمونیزم	۱۵	«
تاریخ‌اسلام	۱۰	«

جشن زناشوئی

اختیارهمسر یکی‌ازمهمترین نقاط‌مورد نظرشرع مقدس‌اسلام‌بوده‌وکمترموضوعی را تااین‌حد پیشوایان‌عظیم الشان‌ما بآن اهمیت‌داده‌اند.

ولی‌بانهایت تأسف دراین‌عصراین امرمهم‌کمترموردتوجه‌جوانان‌ودوشوندگان قرارگرفته وشروط‌ومخارج کمرشکنی‌از قبول‌چشمهائی درکاباره‌ها ودانسینگها و اعمال‌ورفتار ضدعقل‌ودین ازشرب‌خمرو رقصهای‌دسته جمعی غربی که ابدآبادین مقدس‌اسلام سازش ندارد درکشورامام الصادق‌علیه‌السلام اقدام میکنند ! من نمیدانم آن امر سابق چه‌عیبی داشت؟ مفاسدیکه از این‌راه‌گریبان‌گیر افراد این‌کشورگردیده وعواقب وخیمی‌که از آن بوجودآمده است از حدود احصاء بیرون‌است من‌یکسانیکه علاقمند بصلاح وسعادت نسل‌جوان ومسلمانان‌هستند‌اعلام خطرمیکنم خطریکه باروح وایمان‌نسل آینده بستگی دارد وباید بلادرنگ‌در مقام‌پیداکردن راهی برای اصلاح‌قسمت مهمی از مفاسد کنونی برآیند واین موضوع‌خطیر را کاملا مورد توجه‌کامل خود قرارداده ودستورات صاحب شرع مقدس اسلام را پیش چشم قرار داده و جوانـــــــان از دختر و پسر رابتقوی وپرهیزکاری‌که بهترین‌سرمایه برای‌آنان است تبلیغ و بدوشوندگان و جوانان‌حالی‌کنندکه نیکوترین جهیزیه برای‌آنان تقوی‌وعفت و پاکدامنی‌است ودوشوندگان وجوانان اگر حقیقتاًطالب سعادت‌ونیکبختی باشندباید عفت‌وتقوی وپرهیزکاری رابرای همسر خودتدارك نمایند .

حق‌را باید گفت‌آن امر به‌ازدواج و زناشوئی که صاحب‌شرع مقدس‌اسلام فرمودکه ،

(النکاح سنتی فمن‌رغب عن‌سنتی فلیس‌منی) یعنی، نکاح وزناشوئی سنت من‌است پس‌کسیکه از سنت‌من اعراض نموده(روگردان باشد) ازمن‌نخواهدبود این‌طرز زناشوئی که‌دراین‌عصرهزاران فساداخلاق وسیئه‌ببار میآورد نبوده‌آن فوایدیکه شرع‌مقدس اسلام‌راجع‌باختیار همسرذکرنموده این تشریفات‌مسخره و ایمان‌سوز وتشکیل‌مجلس معصیت‌وگناه نیست ودین مقدس‌اسلام‌که جامعه‌رابهر مصلحت وکارنیك فرمانداده‌از هرمفسده وکارزشت نهی فرموده‌است صاحب شرع مقدس‌اسلام‌که درچهاردیوارجهان‌فریاد فرمودکه‌همه شنیده‌اند، ای پیروان‌من! بدانیدعمل‌کنید دین وشریعت‌من‌مکمل تمام‌ادیان وقرآن من‌معظم‌ترین کتب آسمانی است‌که بر پیغمبران سلف‌نازل گردیده‌وبعدازمن‌هم‌پیغمبری‌نخواهدآمد عمل‌کنیدقوانین‌وگفته‌های مرا تارستگار شوید .

اگرپیغمبراسلام‌نکاح رادرسنت‌خود قرارداده برای‌جلوگیری ازفساداخلاق وگناه وسیئه بوده ولی‌چه باید کردکه دراین‌عصرکسانیکه داعیه‌مسلمانی‌دارند پس‌از جاری‌شدن‌عقددست به‌چنان‌چشم‌ها ومیگساری‌ها ورقصهای دسته جمعی در مهمانخانه‌ها وکاباره‌ها میزنند که‌مورد نفرین صاحب شرع مقدس اسلام قرار میگیرند وچه‌بسا که دهها وصدها هزار تومان‌پول هزینه‌این مجالس‌فسادوگناه مینمایند وبجای دستورات رهنمای‌اسلام که میبایدمطمح‌نظرخود قرارداده‌وبدان عمل‌کنند پیروی‌ازاعمال ورفتاردشمنان دین مقدس‌اسلام‌مینمایند وچون موضوع بحث این‌مقال دراین عصر خیلی‌حائز اهمیت است برای بیداری جوانان و اولیاء آنهـا بازهم‌گفتگو خواهیم‌نمود (انشاءالله) .

اربعین حضرت سیدالشهدا

را زیارت نموده وگریه و زاری نموده‌اند معلوم نیست اربعین اول‌بوده باشد زیرا ازحرکت اسرا از کربلاومنزل بمنزل‌قطع راه وتوقف درکوفه ورود بشام ودر شام‌که مدتی‌توقف وعزاداری هفت روزه اهل بیت برای شهدای راه حق و مراجعت‌به‌کربلا نمی‌شود درظرف چهل روز انجام شود و شاید اربعین دوم بوده است .

سختترین گرفتاری اهل‌بیت طهارت‌را درسفرشام وورود بکوفه‌و مجلس ابن‌زیاد و سپس ورود بشام و مجلس یزید علیه‌اللعنة والعذاب بسیار شنیده‌اید ومحتاج بتکرار نیست جزاینکه تذکر آن بی‌فائده نیست.

من‌جمله تغییر نکردن حالت طبیعی‌سرهای شهیدانست‌که چون‌تمام آنها رابکوفه وشام نقل نمودند و مدتی برآنها گذشته بود هیچیك ازحال طبیعی و معمولی تغییر وضع وشکل نداده بودند درحالیکه طبق‌معمول پس ازیکی دوسه روز باید تغییر کنند و از صورت اولیه برگردند ، سیاه شود و عفونت‌گیرد ولی حضرت‌سیدالشهداء واقوام و یارانش‌که درراه خدا و برای پایداری وباقی ماندن دین بود ابدا تغییری نداشت وچنان بودکه‌روزاول‌بود- خدای سبحان در تنزیل فرماید ،

ولاتحسبن‌الذین قتلوافی سبیل‌اله امواتا بل‌احیاء عند ربهم یرزقون .

پس ازمدتی سرهای شهدا را بکربلامراجعت داده وهریك رابجای خود بخاك سپردند واماروز معین‌برای این‌عمل معلوم‌نیست درسه روز اولیه بوده‌که به‌فرمان امام این‌عمل صورت‌گرفته‌است یابعدآن همچنین موضوع قرائت قرآن مجید ازسر بریده‌حضرت سیدالشهدا (ع) درمحضر یزیدبن معاویه نوزاز اعجاز بزرك آن سرور شهیدان است‌که سر جدا شده ازبدن درمجلس یزید با صدای رسا و تکان‌دهنده فرمود ،

و سیعلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

سربریده وسخن‌گفتن‌غیر ازمعجزه امام (ع)چیز دیگر نبوده ویاللعجب که‌چگونه مردمانی‌بوده‌اندکه بازهم برسرکفر وعنادبوده‌اند. ازهمه‌خوانندگان وزیارت‌کنندگان التماس‌دعا داریم‌وامید است خداوندبوجود سیدالانبیاء وسید الاوصیاء و سیدالشهداء حوائج همه رابرآورد وگرفتاریها را رفع فرماید .

کیفیت‌ورود اسرای‌آل‌محمد (ص) بکوفه‌وشام‌داستان مفصلی‌دارد خطابه‌و نطق‌حضرت سجاد(ع) وزینب‌کبری علیهاسلام درکوفه وشام‌تاریخی است. مردم کوفه‌که بیانات ومواعظ امیرالمؤمنین(ع) رادر زمان‌خلافت او درکوفه شنیده بودندپس از سالها که‌گذشته بازصدای علی(ع) رادرکوفه استماع‌نمودند وتصور نمودند امیرالمومنین‌زنده شده‌ونطق میکند.

درست که‌دقت نمودندیدند دختر او زینب‌کبری مردم کوفه را بعتاب ومؤاخذه‌کشیده‌است- صدای‌زینب(ع) زنك‌های‌شتران ومردم‌تماشاچی راخاموش نمود. فرمودای‌مردم‌کوفه ای‌مردم حیله‌ومکروغدر وطعن‌ودغل، آیـا برای ما گریه میکنید ؟

اشك‌چشم شمابخشکد، آه‌چشم شمابایستد، همیشه‌درگریه وانده باشید- کارشمامردم‌کار پیره‌زنانه‌نیست که پنبه‌های‌خود راخوب‌میریشتندومی‌تابیدند و بعد پاره‌میکردند- شمامردم بودین‌رشتهٔ ایمان‌خود راکه بخون‌جوانان اسلام محکم شده‌بوداکنون به‌بیخردی قطعه‌قطعه وپاره‌پاره نمودید.

وفای به‌عهد

مقروض‌هستند قرضم‌را طلب‌کنم وکارهای‌دیگرم را انجام دهم وفردا غروب بیاری خداباین‌زودشما خواهم‌آمد.

حاضرین به‌همدیگرنگاه‌کردند وگفتنداین چقدرخام‌است میخواهدباین واسطه‌ازچنگال مرك‌رهائی یابدولی آیامیشودکسی‌که بدام‌مرك افتاده‌خود رااز آن‌خلاص‌کند نه‌هرگز.

خلیفه، خالدتوازاین مردم‌که دراین مجلس‌حاضرند درخواست‌کن اگر یکی‌ازآنها حاضرشدکه ضمانت‌تو رابکند من‌نیزقبول خواهم کرد.

خالد روبه حاضرین‌نمود وگفت‌آیاکدام‌یك ازشما حاضریدکه ضامن‌من شویدومن حتما تافردا غروب‌خواهم آمد؟

حاضرین همه‌سربزیر افکندندوکسی آماده‌این‌کار نشد وخالد ازجواب مردم مأیوس‌گشت .

دراین هنگام‌ابوذرغفاری آن‌صحابی بزرك‌پیامبر لب‌به‌سخن‌گشود وگفت. خالدمن حاضرم از توضمانت‌کنم اماحتماً تا فردا غروب‌خود رادر این مجلس حاضرگردانی .

خالد، خداتورابیامرزدای‌مرد(ابوذر) توچقدرجوانمرد وباشهامت‌هستی. دراین هنگام‌ولوله‌ای درمیان مردم‌افتاد وهمه‌گفتندبیچاره ابوذر،که خود رابا این‌ضمانتش دردام مرك‌انداخت کوتاه‌سخن آنکه خالد مجلس‌را ترك‌گفت وبه سوی‌کارو‌راه خودروانه‌شد ومجلس به‌ولوله‌وتشنج افتادوهمه می‌گفتندجوانمردی ابوذر اورا به‌پرتگاه مرك‌نزدیك‌ساخت.

فردا عصرمجلس‌دوباره تشکیل‌شد واین دوجوان نیزحضوریافتندوابوذر نیزبی‌آنکه خودرا باخته‌باشد واین‌ضمانت‌دراو تاثیرسوئی‌گذارده باشددرمجلس حاضرشد وهمه‌منتظرند که خالددوباره‌برگردد.

خورشیدکم‌کم اشعه‌زرین خود راازصحنه‌گیتی فرامیگرفت و تاریکی‌بر همه‌جا چیره‌میشد وسکوتی‌مرگبار برمجلس سیطره داشت.

حاضرین‌بهمدیگربا هستگی چنین‌میگفتند،اسف‌ازاین مردبزرك‌ابوذرمرد دانشمندی‌بود واز یاران‌باوفای رسول‌خدابوداماچه‌بایدکرد مگرخلیفه‌میتواندانداز اودرگذرد-نه- اگردرگذشت جواب‌این دوجوان راچه خواهدداد وانگهی‌حکم شرع‌اقتضاء میکندکه اگرخالدپیدانشد خلیفه‌بجای‌او ابوذررا باید اعدام‌کند و خلیفه‌که نمیتواندازحکم‌الهی تجاوزکند وخودسرانه ابوذر را رهاسازدحیف‌از وجود مردی‌چنین باتقوی وفضیلت ومعنویت.

خلاصه سخنها گفته‌شد وسخنان‌حاضرین توام‌بااندوه‌گشت، اماحاضرین‌هر بارکه برچهره‌ی ابوذرنگاه میکنندائر هیچ‌ناراحتی دراو مشاهده نمیکنندگوئی که ابوذرچنین‌پیمانی را نبسته‌است وچنین پیشامدی رادرنظر ندارد.

آری‌مردان خدا چنینند، اگردرراه خداگام بردارند ازهیچ‌چیز واهمه ندارند، حتی ازمرگ ومردن .

هنگام‌نماز مغرب‌فرا میرسد وبایدخلیفه‌بسوی مسجد رود واقامه جماعت کندووقت بسیارتنك‌شده وخلیفه‌نیز شرم میکندکه مجلس را خاتمه‌دهد ودستور اعدام‌ابوذر راصادرکند اماچه‌کندا‌گرتا هنگام‌نمازمغرب‌خالد حاضرنشودناچار است ابوذررا بجای او بکشد، خلیفه به چنین‌عمل راضی‌نیست ولی دستوراسلام چنین‌اقتضاء میکندکه‌اگر خالدنیامد بجای‌او ابوذرباید اعدام‌شود .

حاضرین همه‌چشم به‌دردوخته‌که آیامگر میشود کسی‌که از مرگ فرار کرده دوباره خودرا درکام مرك بیافکند؟

اما برخلاف‌انتظار حاضرین‌دیدند خالد وارد مجلس‌شد وگردوغبار بر چهره‌او نشسته وازبس‌که‌تندوباشتاب‌آمده‌است عرق‌نموده وقطرات‌عرق‌ازپیشانی اوجاری شده و بزمین‌می‌چکد، سلام‌کرد وآمد صورت ابوذر رابوسیدو گفت‌من ازاینکه‌مقداری دیرکرده‌ام بسیارعذرمیخواهم ازدیروزتا بحال مشغول‌رسیدگی به‌کارهایم بوده‌ام‌وحتی لحظه‌ای درشب‌هم نخوابیده‌ام .

مردم ازجوانمردی‌ووفای به‌عهدخالد درعجب‌شدند وهمه‌جوانمردی‌خالد را تحسین‌کردند.

خلیفه، شکرخداراکه مرااز‌مرك ابوذررهائی دادواین جوان‌برعهدخود وفا نمود .

خلیفه به‌ابوذرگفت توراچه باعث‌شدکه ازاین جوان ضمانت‌کنی؟ ابوذر گفت خلیفه‌این‌کار راکردم تامردم نگویندمروت‌و جوانمردی ازمیان مسلمانان رخت‌بربسته است.

دراین هنگام‌این دوجوان ازمروت‌ابوذر سرمشق‌گرفتند وگفتند مانیز ازخالددرگذشتیم تانگویندگذشت از بین‌مسلمانان رفته‌است.

خالدنیزگفت من‌نیز به‌پیمان خود وفاکردم تانگویند وفای‌بعهد ازمیان مسلمانان رفته‌است.

این‌است مروت‌وگذشت ووفای‌بعهد مردان‌بزرك‌در صدراسلام‌پس‌بیائید و ازاین سرمشقهای زندگی‌سازاسلام ومسلمانان صدراسلام درس عبرت وایمان و معنویت فراگیرید .

استبرق بهشتی

هرکسیکه مؤمن برهنه‌ای‌را بپوشاند همیشه درپرده خدائیست مادامی‌که از خداوند ویرا از استبرق بهشتی‌بپوشاند آن جامه پاره‌ای باقیست .

وهرکه مؤمنی‌رایا بی‌نیازی‌را بپوشاند

محمد رسول‌الله

شما ایمان‌را وسیله‌سوداگری ومنفعت‌جوئی قرار دادید، تاآخراین‌خطبه که‌در عالم‌طنین‌انداز شده وموجب‌تحیر واعجاب‌جهان‌قرارگرفته‌است.

حضرت‌سجاد امام‌چهارم(ع) نیز خطابه متعدد دارد درجهان بی‌نظیر و یکتااست مخصوصاً خطابه‌ای‌که درشام درحضور یزیدپلید ایراد فرمود همهمه و هیجان وغوغائی از مردم برخاست امام(ع) خودرا معرفی‌فرمود پدر وجد خود را بمردم‌تذکر داد وبخوبی‌خود رابجمعیت شناسانید.

صدای‌گریه وشیون‌ازخلق برخاست - مجلس، میرفت‌که به‌انقلاب وقتل یزیدمنجرگردد که یزیدپلید برای جلوگیری ازافتشاش خلق فرمان‌داد مؤذن فریاداذان بلندنمود ومردم رابه‌نماز جماعت‌دعوت‌کرد.

یزیدبعدا نسبت‌بخاندان‌پیغمبر(ص) واسرای‌اهل بیت‌روش ملایمتری‌پیش گرفت وبرای عزاداری‌آنها موافقت‌نمود وپس‌از چندی‌توقف درشام، اهل‌بیت‌را اجازه معاودت‌بمدینه داد وبا احترامات‌زیاد وباعده‌ای‌مامور ومستحفظ بجانب مدینه فرستادکه ازآنراه اهل‌بیت طهارت بکربلا آمدند و قبر شهیدکربلا و سایرشهداء را زیارت‌نمودند.

سیری در مطبوعات

بایت گوی سبقت را ازسایر شهرها بوده است .این هم از نشانه‌های فساد است .

مطبوعات: قاتلی گفت: اینجانب زن خود را کشتم .

ندای حق: اینجانب را باید اعدام کردوتا اینجانب‌های دیگر چنین غلطی نکنند .

مطبوعات: دختر بچه ۱۰ ساله‌ای که در حمام‌های عمومی دزدی می‌کرد گفت زن‌عمو و دو خواهرم مرا وادار اینکار می‌کرد.

ندای حق: اگر بزرگترها خودشان رااصلاح میکردند بچه‌ها فاسد نمی‌شدند.

مطبوعات: برسر خرید صبحانه بین دوبرادر نزاع شده ویکی ازآنها مجروح و روانه بیمارستان شد .

ندای حق: بترکد این شکم که چه مفسده‌ها بپا می‌کند .

مطبوعات: مـد بهار بـرای دختران تهران .

ندای حق: خدا بفریاد پدران و مادران برسد که باید چنین مدها را برای دختران خود تهیه کنند، اف بر تقلید باد.

مطبوعات: در زناشوئی پول خوشبختی نمی‌آورد .

ندای حق: در زناشوئی وفا و صفا لازم است نه پول وتجمل.

مطبوعـات: اردبیـل بهشت توریست‌هاست .

ندای حق: بهشت یکیست و آنهم در روزدیگروبرای مردمان‌دیگر

مطبوعات: پریدن‌از روی‌آتش

ندای حق: جز صرف پول و اف حسن دیگری ندارد

مطبوعات: مراسم چهارشنبه سوری .

ندای‌حق: هوی وهوس را آتش بزنید .

مطبوعات: جوانی جان‌خودرا برسر یك متلك‌خیابانی گذاشت .

ندای‌حق: اگر زبان خود را نگه می‌داشت ویا اگر چشمان خودرا بزیر می‌انداخت در چـاه نمی‌افتاد و کارش بگورستان نمی‌کشید.

مطبوعات: پول مسئله مهم جوانان .

ندای‌حق: دین وتقوی مسئله‌ای مهمتر از آن است .

مطبوعات: مبارزه جوئی‌سیاهان در رودزیا .

ندای‌حق: پیروزی‌انسانهای‌سیاه را برسفید پوستان خواستاریم .

مطبوعات: هیچ‌یك از ادیان سلف و هیچ‌یك از مکتب‌های سیاسی و اجتماعی انسان را به‌اعتبار انسان‌بودن مانند اسلام احترام نکرده است.

ندای‌حق: آری اسلام بهتر از همه‌چیز وهیچ‌چیز بهتر ازآن نیست.

مطبوعات: ۳۲۴ قطعه سنگ ازکلیه‌بیمار روستائی درمریوان خارج شد اوگفت اگر می‌دانستم در بدنم این همه سنگ‌وجوددارد یك‌مغازه‌سنگتراشی باز می‌کردم .

ندای حق: و اینم مرضی بود ازامراض آخرالزمان .

مطبوعات: پلیس تبریز ده‌نفر رابجرم متلك‌گوئی بخلق دستگیر کرد وبازپرس متلك گوها را به زندان‌فرستاد

ندای‌حق: سزای حرفهای زشت باید مجازات های مناسب داشته باشد تاجلوگیری کند .

مطبوعات: یك گدای‌پیر وپولدار بنام«زیور» بعدازمرگش ۴۵هزارتومان وجه‌نقد بجاگذاشت وجوهات که‌شامل۵ خم پراز سکه‌بود بوارث این گدا تعلق گرفت .

ندای‌حق: چنین‌اخبار بی‌مدارك موجب محرومیت عده‌ای مستحق‌می‌شود و مردم همه گدایان را چنین خواهند پنداشت درحالی‌که چنین‌نیست .

مطبوعات: یـك نوزاد عجیب الخلقه درشاهرود بدنیا آمدکه ساق‌وپا وساعد نداشت‌کف پایش به‌رانهاچسبیده بود وکف دستهایش بپازوهایش است .

ندای‌حق: علت‌اینگونه نوزادان رابابد درمادران وپدران جستجو کرد.

مطبوعات: دختر ۱۶ ساله‌ای که پدرش اجـازه نمی‌داد مینی‌شورت بپوشد خودرا مسموم‌کرد ولی پزشکان نجاتش دادند.

ندای حق: اگر میمرد فدای مینی‌شورت می‌شد .

مطبوعات: ششم خرداد مـاه جسد مردی‌که ۱۲۰ سال‌پیش‌مرده‌بود هنگام تخریب قسمتی از مسجد حاج عبدالله رضائیه سالم از زیرخاك بیرون آوردند .

ندای حق: ازاین‌قبیل اتفاقات خیلی شنیده شده وآنرا ارتباط بحسن عمل وتقوای نسبت میدهند .

آگهی حصروراثت

سیدرجبعلی‌سیدعلی‌روته بشناسنامه ۱۷۲ط مقیم روته لواسان درخواستی بخواسته گواهی انحصاروراثت بدادگاه بخش شمیران تقدیم و توضیح داده‌که میرغلامعلی‌سیدعلی روته شناسنامه۱۶۸ روته پدرش در تاریخ ۳ر۵ر۴۵ فوت نموده‌وورثه‌حین‌الفوت آنمرحوم‌عبارتند ازمتقاضی‌پسرویکدختربنام‌سیده‌شهربانو سیدعلی روته شناسنامه ۱۷۰ط وغیراز نامبردگان ورثه دیگری نداشته‌وندارد

پرونده‌در دادگاه بکلاسه۷۲۴ـ۵۰ ثبت ومراتب سه‌نوبت متوالی ماهی یکمرتبه‌درروزنامه‌رسمی کشورشانشاهی ویکی ازروزنامه‌های‌محلی‌درج‌تاچنانچه هرکسی اعتراضی ویاوصیت نامه‌ای از متوفی نزدخوددارد وظرف‌مدت‌سه‌ماه از تاریخ نشراولین آگهی بدادگاه‌تقدیم دارد پس‌از انقضاء مدت مذکور هـر اعتراضی ویاوصیتنامه‌ای غیراز سری رسمی‌ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقط خواهدبود . شماره۱۴۱۰۸م‌الف

رئیس دادگـاه بخش شمیران ـ مورشکرائی ۳ـ۳

آگهی حصروراثت

خانم‌افسرالملوك زارع بشناسنامه ۳۲۴ ازدادگاه بخش‌تهران درخواست گواهی انحصاروراثت نموده و توضیح داده‌شادروان‌بانواحترام سپانلو بشناسنامه ۵در ۵۰/۹/۸ در گذشته است وورثه عبارتنداز‌درخواست‌کننده ویروین‌دخت زارع بشناسنامه ۶۴ دختـران وغلام حسین زارع بشناسنامه ۱۸۴ پسر

پرونده در شعبه اول بشماره ۵۰ر۴۰۸۸ثبت‌و مراتب سه نـوبت ماهـی یکمرتبه در روزنامه رسمی ومحلی آگهی‌میشود تا چنانچه‌اعتراضی بود یاوصیت‌نامه‌ای از درگذشته‌نزدکسی باشدظرف‌سه‌ماه‌ازتاریخ نشراولین آگهی بدادگاه‌تقدیم دارد ونهزهروصیتنامه‌ای‌جزرسمی‌وسری که‌بعداز اینموعد ابراز شود ازدرجه‌اعتبار ساقطاست.

دادرس‌شعبه‌اول‌دادگاه‌بخش‌تهران بوژنی .

شماره ۱۴۱۰۹م‌ـالف ۳ـ۳

صدقه پنهان

امام صادق (ع) فرموده است:

صدقه در نهان وخفا بخدا سوگند از صدقه‌آشکار بهتراست وبخدا سوگند عبادت پنهانـی از عبادت آشکار افضل است .

در تقویت دین

کمی تلاش دارند نیکیها و فضیلتها را جانشین بدیها و پوسیدگیها سازند ـ و مقایسه این‌دوگروه‌هرگز به‌اندیشه‌درست نمی‌آید .

عنوان نمودن این مطلب‌که برای عده‌ای شاید تازه‌گی نیز داشته‌باشد در روزگارکنونی قابل‌شایان‌توجه‌است‌زیرا دوشیزگان همیشه موضوع‌روز تاریخ‌بشر بوده‌اند چه‌دردنیای کهن و عصرجهل و توحش‌که‌آنهارا اسیروبرده و درمعرض فروش‌قرارمیدادند وچه‌درعصرتکنیك و صنعت‌وعلم‌وتمدن و پیشرفتهای برق‌آسا که‌آنهارا تنهابه‌عشق و عاشقی مقایسه و بازیچه‌دست خود قرارداده‌اند ـ ماهدفی دراین گفتارجز نمایاندن‌ارزش‌واقعی‌این گروه با فضیلت و زندگیساز و مربی و جاودانگی نداریم و نمیخواهیم سنگ طرفداری از آنهارامثل بعضی‌ها به‌سینه بزنیم تنهاهدف‌اینست ببینیم آیامیتوانیم از اینها انتظاری در جهت تعمیم شعائر مذهبی‌داشته‌باشیم‌یانه ـ وقتی که‌یك مجله رنگین به بلای سقوط تهراز و مشتری روبرو و مواجه‌میشود، فوری دست‌بکار می‌شودکه باچاپ‌عکس‌یك‌دختر و شرح وماجرای عشق و یا کارهای‌دیگردختری را به‌دروغ ویاافسانه و یاحقیقت‌به‌خود مردم وجامعه‌ونسل‌جوان بدهد ـ می‌بینند که‌تهراز مجله‌به‌سرعت‌برق بالامیرود و سود سرشار نصیب گردانندگان آن‌ها می‌شود ـ روزی‌ازعشق دختر و روزدیگر از فرارد‌ختر وروز دیگرازدوست پسر دختر ـ وگاهی‌از تنهائیهای یك‌دختر و مدرسه و مزاحمتهای او وتلفنهای ناشناس‌ومدوسینماوسکس خلاصه و کار به‌جائی‌میرسد که‌دختران‌بازیچه‌دست‌آنها قرارگرفته‌و باآنهمه منـافع او را آلت تبلیغ خود می‌کند کار به‌اینهانداریم‌به بررسی مشکلات اساسی آنهانیز نمی‌ـ پردازیم ازفرارو کورتاژ و از آنها نیز سخن‌به‌میان‌نمی‌آوریم از مذهب آنها و نقشی‌که‌آنهامیتوانند داشته باشند اکتفا میکنیم.

دراکثراد‌وار تاریخی دختران از جهت‌تحصیل دانش‌ومذهب‌موردبی‌توجهی بودند و اساساً آنهارا در جامعه نادیده میگرفتند و اصلاوجود آنهـا رادرخانه مایهٔ ننگ‌وبدنامی‌میدانستندو این‌مسئله عمومیت‌داشت(۱) در مناسبترین اوقات تربیت یعنی‌درسنین (۷ـ۱۴) هیچگونه سخن‌درباره مذهب‌ودین به‌دختران گفته نمیشود و تنهامادران یك‌مورداز وظیفه مذهبی دختران‌رادرباره رگل‌ویا(عده) بازگومیکنند وبس.

بنابراین مذهب‌در دختران‌شالودهٔ محکمی نداشته و ندارد و این‌تصمیم‌از مادران بوده است ـ درصورتی‌که باید دختران یا مادران فردا بیش‌از طبقات دیگر به‌مسائل مذهبی‌که پشتوانه دوام خانواده محسوب می‌شود آشنائی داشته باشند ـ اگرچه‌گرفتاریهای ضداخلاقی‌و تماشای فیلمهای عشق‌وسکسی و دوست یابی و مدپرستی درعصرما مجالی برای اکثریت آنها نگذاشته است ـ با اینهمه نشانه‌هائی‌دردست‌است ازگرایش‌دختران تحصیلکرده و جوان به‌مسائل مذهبی و لذاست که‌می‌بینیم خبرنگار اطلاعات در مدرسه‌دختران‌اسلامی‌علوی‌تهران هنگام پرسش‌ازنوع کتب مورد علاقه و مسائل موردتوجه‌دوشیزگان‌می‌شنود کتاب‌اسلام مذهبی‌ودینی ۹۹ درصد دختران‌اوقات فراغت خودراصرف مطالعه‌کتب دینی و مذهبی میکنند ـ و این‌نشان دهندهٔ این واقعیت است‌که اگر آموزشگاه‌های دخترانه همچون‌آموزشگاههای‌اسلامی‌به کار اعتقادومذهب‌آیندنتایج‌بس‌ارزنده‌ای نصیب‌جامعه‌و به‌انحطاط مامیکردند و یا می‌بینیم انجمن‌اسلام‌دوشیزگان‌درتهران باانتشار نشریات مذهبی‌بقلم دوشیزگان تحصیلکرده ـ موجودیت خود را اعلام می‌دارد .

دختران در خدمت مذهب‌را باین خوشمزگیهائی که مؤسسه‌ای‌اخیراً در ایران کرده‌است عوضی‌نگیرید ـ دختران خوشگل و ماهرو باخوهائی‌از تبلیغات مسیحیت و باصورتی‌بازورنقی‌گشاده در خانه‌ها ـ کوچه‌ها ـ مراکزتجمع‌به‌کلیسا خدمت میکنند وماز دختران جوان مسلمان‌انتظاری دراین‌حدنداریم‌و نباید داشته باشیم. بلکه همینقدر که آنها احساس‌کنند می‌توانند درحد خود و در حدود امکانات‌خویش بنفع مذهب و دین اسلام فعالیتی‌کنند این‌راه است و این مسیر معین وازقهرمانان‌همچون‌زینب و سکینه‌سلام‌اله‌علیها آموختن.

(۱) برای اطلاع بیشتر از وضع نابسامان دوشیزگان درتاریخ ملت‌ها و امم و هزاران موضوع جالب در باره دختران‌امروزوفردا به‌کتاب(دوشیزگان و امواج خطرناك) اثر نگارنده که در آینده نیز به‌لطف‌الهی در دسترس عموم قرار خواهدگرفت مراجعه نمائید. این کتاب‌برای‌دوشیزگان‌ایران نوشته‌شده و خواندن‌آن‌برای‌آنهاضروری‌است.

آگهی حصروراثت

خانم پروین پیمانیان بشناسنامه ۱۷۴۲۶ ازدادگاه بخش‌تهران‌درخواست گـواهی انحصاروراثت نموده و توضیح داده شادروان‌مهربان پیمانیان بشناسنامه ۲۱۶ در۲۳ر۹ر۵۰ در گذشته است و ورثـه عبـارتند از درخـواست کننده و مروارید بشناسنامه ۱۷۴۲۴ وسپهر بشناسنامه ۵۱ و روح‌انگیز بشناسنامه ۱۷۳۲۵ دختران و گـوهـر شناسنامه ۱۷۴۲۳ همسردائمی کـه‌نام خانوادگی آنها پیمانیان می‌باشد .

پرونده درشعبه اول بشماره ۵۰ر۴۳۴۴ثبت‌ومراتب‌سه‌نوبت‌ماهی‌یك مرتبه‌دررروزنامه‌رسمی‌ومحلی آگهی‌میشود چنانچه‌اعتراضی‌بودو یاوصیت‌نامه‌ای از درگذشته‌نزدکسی باشدظرف‌سه‌ماه‌ازتاریخ نشراولین آگهی بدادگاه‌تقدیم دارد ونهزهروصیتنامه‌ای‌جزرسمی‌وسری که‌بعد ازاین موعد ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقطاست. ۲ـ۳

دادرس‌شعبه‌اول دادگاه‌بخش‌تهران

شماره ۱۵۵۲۳/م‌الف ـ

بوی بهشت

رسول خدا فرموده است :

هـر کس بمرد مـزدوری ستم کند خدای متعال اعمالش را (حبط) کند و بوی‌بهشت‌را بر وی‌حرام کند درصورتی که بوی‌بهشت از پانصدسال‌راه استشمام می‌شود .

آگهی حصروراثت

آقـای یعقوب داوری بشناسنامه ۶۵۷ ازدادگاه بخش‌تهران درخواست گواهی انحصاروراثت نموده‌وتوضیح‌داده شادروان آقانقه‌داوری‌سعادتلو بشناسنامه ۳۵۷ در۳ر۶ر۵۰ درگذشته‌است‌وورثه عبارتنداز درخواست کننده پسروخانم داوری بشناسنامه۶۰۲ دختر.

پرونده‌درشعبه‌اول بشماره۲۸۴۹/۵۰ ثبت‌ومراتب‌سه‌نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی‌ومحلی آگهـی میشود تا چنانچه اعتراضی بودویاوصیت نـامه‌ای ازدرگذشته نزدکسی باشد ظرف سه‌ماه ازتاریخ نشراولین آگهی بدادگاه تقدیم داردودونهزهروصیت‌نامه‌ای‌جزرسمی‌وسری که‌بعدازاین‌موعدابرازشودازدرجه‌اعتبار ساقط است .

دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران • بوژنی

شماره ۲۵۴م‌الف ۱ـ۳

آگهی حصر وراثت

با توصدیقه زرکش بشناسنامه ۱۰۱ ازدادگاه بخش تهران‌درخواست‌گواهی انحصاروراثت نموده‌و توضیح‌داده‌شادروان بی‌بی‌هلی زرکش‌پور بشناسنامه۱۱۹۰۴ در ۳۰ر۸ر۴۹ درگذشته است وورثه عبارتنداز درخواست کننده بی‌بی‌معصومه بشناسنامه ۱۱۹۰۵ و زهرا زرکش بشناسنامه ۷۴۷ دختران و تقی‌زرکش بشناسنامه ۲۶۳وجوادزرکش بشناسنامه ۸۴۴ ومحمدزرکش بشناسنامه ۱۷۳و رضا بشناسنامه ۱۱۹۰۶ پسران‌که نام خانوادگی سایرین‌زرکش‌پور میباشد

پرونده‌درشعبه‌اول بشماره۵۰ر۲۷۲۹ ثبت ومراتب‌سه‌نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی‌ومحلی آگهی میشود تـا چنانچه‌اعتراضی بود ویاوصیت‌نامه‌ای‌از درگذشته‌نزد کسی باشدظرف‌سه‌ماه از تاریخ نشراولین آگهی بدادگاه تقدیم داردونهزهروصیت‌نامه‌ای‌جزرسمی‌وسری که‌بعدازاین‌موعد ابراز شود از درجه اعتبارساقطاست

دادرس‌شعبه اول‌دادگاه بخش تهران. شماره ۲۵۳م‌الف ۱ـ۳ بوژنی.

آگهی‌ابلاغ‌اجرائیه‌شمارهٔ۵۰ـ۳۹ـ۱۵۵ جهت‌اطلاع آقای‌حمود نظری

طـبق دادنـامهٔ شماره ۳۶۷ـ ۲۱ر۶ر۱۳۵۰ صـادره از شعبه ۳۹ دادگاه شهرستان تهران‌که منتهی‌صدور اجرائیه‌شده‌محکوم‌است مبلغ۳۱۳۰۷۹ ریال‌بابت اصل‌وخسارات‌بانضمام‌خسارت تاخیر تادیه از تاریخ صدور حکم الی روز وصول در حق شرکت سهامی‌بیمه امید بپردازد و چنانچه از تاریخ‌نشر آگهی ظرف‌مدت ده‌روز با رعایت‌ماده ۵۵ قانون‌تسریع محاکمات‌طوعاًمدلول حکم را بموقع اجراء نگذارید طبق مقررات اقدام‌خواهد شد عشریه‌دفترنهز بعهده‌محکوم‌علیه میباشد.

رئیس اجرای شعبه ۳۹ دادگاه شهرستان تهران‌ـ مصطفی‌نائب .

شماره۲۶۵م‌الف

بهداشت در اسلام

وپوشاك دربند عقل و مصلحت نیست و جز بخواهش دل نمی‌رود ، منظوری غیرشهوت ولذت ندارد .

مقتصد کسی است کـه بمقداری می‌خورد ومی‌پوشد واعمال دیگرانجام می‌دهدکه صلاح بدن وزندگی او باشد باندازه‌ای‌که زنده ونیرومند باشد.

آنهاکه از خورش بیکی دو رقم قناعت نمی‌کنند وحتی‌الامکان میکوشند که سفره‌شان رنگین باشد بـا این‌کار (آشفتگی و بهم‌آمیختگی غذاها) از خاصیت‌طبیعی ومفیدهیچ غذائی‌بهره‌مند نیستند اینها مسرفند ودستخوش امراض وگرفتاریها می‌شوند .

امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام می‌فرماید:

من اگر بخواهم خوب میتوانم‌از مغزگندم و عسل مصفی و لباس حریر خالص‌استفاده کنم ، «ولکن هیهات ان یغلبنی هوای» لکن چه دور است از روش من که دنبال هوای نفس بروم و شهوت برمن حکمفرما باشد .

چهار دستور مفید

درمان چهار وسیله دارد :

حجامت و روغن‌مالی و قی‌کردن وحقنه نمودن(حقنه یعنی اماله وتنقیه) برای خون وطنیان آن‌سه‌نشانه است :

جوشهای ریزی کـــــــــه در پوست بدن پیدا می‌شود ، خارش در پوست و مور مور شدن چنان‌که گوئی مورچه روی بدن راه می‌رود.

در پیش گفتیم که عمده بیماریها به واسطه فساد اخلاط (کثیف شدن‌مایعات بدن) است وازطرفی معلوم است که‌تمام مایعات از خون تشکیل می‌شود ، پس اگرخون پاك وسالم باشد بدن نیزسالم است .

تصفیه خون زمینه‌ای برای رشد و ابتلاء میکرب ومرض باقی نمی‌گذارد باخون پاك، بیماری‌های‌مسری(عفونی، میکربی ، ویروسی) پیدا نمی‌شود و بقول دکتر کرهوکلیه امراض در اثر آلودگی خون و انساج در بدن تولید می‌گردد .

قدمابرای‌تصفیه خون‌وسائل‌مختلف داشتند از جمله حجامت بودکه امروز مورد مخالفت اطباء است ومیگویندخون ماده حیاتی بشراست بیماری‌که‌قوایش تحلیل رفته درست نیست‌که از سرمایه نیرو وحیاتش بکاهیم‌وخونش‌را بگیریم. اینحرف در مورد امراضی‌که ناشی از کم‌خونی است یا بیماراني‌که دچارکم‌ـ خونی‌هستند ، درست است‌آنهم نه‌بطور کلی ، زیرا چه بساگرفتن وکم‌کردن خون حس احتیاج آورده وشریانات‌را بخون زیادتر کرده و بیشتر دستگاه خونسازی را تحریك می‌کند، این‌خود ازنوامیس کلی‌خلقت‌است‌که چون‌چیزی راکم‌کنند (البته بمقدار جایز) حس احتیاج تحریك شده افزایش مـی‌یابد اما در باره سایر بیماران نیاز بتفصیل نیست حجامت از درمـانهای سودمند است .

آگهی حصروراثت

آقای رستم‌حاجی یاقوت‌بشناسنامه ۲۴۷۴۵ ازدادگاه‌بخش‌تهران‌درخواست گواهی انحصاروراثت نموده وتوضیح داده شـادروان حـاجیه نوك روح‌زاد بشناسـنامـه ۲۸۶۱۷ در ۸ر۹ر۲۸ درگذشته است وورثه عبارتست از در خواست کننده‌پسر.

پرونده درشعبه‌اول بشماره۵۰/۳۲۳۰ثبت ومراتب‌سه‌نوبت‌ماهی یکمرتبه‌دررروزنامه رسمی ومحلی آگهی میشود تا چنانچه اعتراضی‌بود ویاوصیت نامه‌ای‌ازدرگذشته نزدکسی باشد ظرف‌سه‌ماه ازتاریخ نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد ونهزهروصیت‌نامه‌ای جزرسمی‌وسری که بعدازاین‌موعد ابرازشودازدرجه اعتبار ساقطاست . ۳ـ۳

دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران ـ بوژنی.شماره ۱۴۱۱۰/م‌الف

آگهی‌حصر وراثت

آقـای قیادسابود بشناسنامه۳۶۵ ازدادگاه‌بخش‌تهران درخواست‌گـواهی انحصار وراثت نموده و توضیح داده شادروان‌صفرسابود بشناسنامه۳۶۴/۶۸ درتاریخ۲۸ر۸ر۵۰درگذشته‌است وورثه عبارتند از درخواست کننده پسروبانو صدیقه‌فلاح‌شهروانی‌بشناسنامه۵۵۳همسر دائمی پرونـده در شعبه اول بشماره ۳۶۷۰/۵۰ثبت ومراتب سه‌نوبت ماهی یکمرتبه دررروزنامه رسمی ومحل‌آگهی میشودتاچنانچه‌اعتراضی‌بوده ویاوصیت نامه‌ای‌ازدرگذشته‌نزدکسی‌باشدوازتاریخ نشراولین‌آگهی‌ظرف‌سه‌ماه بدادگاه‌تقدیم دارند ونهزهروصیت‌نامه‌ای جزرسمی و سری‌که‌بعداز موعد ابراز شود ازدرجهٔ اعتبارساقط وبلااثرخواهد بود .

دادرس‌شعبه‌اول‌دادگاه‌بخش‌تهران‌ـبوژنی شماره۱۵۵۲۲ رم الف ۲ـ۳

ندای حق

دارنده و نگارنده
سید حسن عدنانی

تلفن دفتر روزنامه ۲۷۳۰۰ — تلفن منزل ۲۵۶۰۰

جای اداره خیابان خیام ـ جنب پاچنار سرای مصباح ـ روزنامه دراصلاح مقالات ودرج وعدم درج آن آزاد است

قیمت اشتراك در داخله ۱۵۰ ریال ـ شش ماهه ۸۰ ریال
درخارجه یکساله یکدینار و نیم

وجه اشتراك قبلا دریافت میشود

تکفروشی در همه جا سه ریال است.

کی بهوش خواهیم آمد

جز به‌الفاظ و بزبان‌که مسلمانم عملا چه‌کرده و میکنیم؟ اگر میگوییم مسلمانیم پس‌این‌همه عصیان‌وطغیان‌ونافرمانی‌ومخالفت باقرآن وپیغمبر بزرگوار اسلام واوصیاء بزرگوارآن چیست؟

بفرموده‌قرآن(یاایها‌الذین آمنوالم تقولون مالاتفعلون)

ای‌گروه مومنین‌چرا سخنی‌میگوئیدکه بدان‌عمل نمیکنید؟ چراما مردم بظاهر مسلمان حقیقتاً باسلام‌رفتار نمی‌کنیم؟

فحاشی نکنند وانکارنمایند ماقطط بگفته‌وحرف مسلمانیم و بعمل‌وفعل خیرا آیاشما خوانده‌عزیز میگوئیدکه ما مسلمانانرا فسق‌وفجور فرا گرفته، گناه‌ومعصیت علنی گشته، مخالفت‌باحکام‌اسلام ودستور رسول‌عالیمقام‌وائمه‌اطهار تعمیم پیداکرده، منکرمعروف شده‌ومعروف منکرگشته، امربه معروف ونهی از منکر بکلی بفراموشی‌گرائیده پس‌اینها ازکیست؟

جز ان مسلمانان؟ آیا مردم‌مسلمان و کسانیکه‌گرد منهیات ومحرمات نمیگردند وباین اوضاع‌ناظرند رضاداده‌اند ویا ناراضی‌اند؟ اگررضاداده‌اندویا جزوآنها محسوب میگردندواگر ناراضی هستند چراسکوت اختیارنموده واز امربمعروف ونهی ازمنکرخودداری دارند؟ از کوچکترین گناه یا بزرگترین‌آن همه‌ساکت وناظریم! حتی بنزدیکان‌خود به‌همسایگان‌خود بکسیه وفروشندگان اجناس ما به‌الاحتیاج خود تذکری‌نمیدهیم واز رفتار ناصوابش منع نمی‌نمائیم اصلابمن چه‌وبتو چه‌کاملا برقراراست وتوجه‌نداریم‌که همین‌دو کلمه موجب زیاد شدن فسق‌وگناه است‌وهمین دوکلمه موجب‌ضعف‌اسلام است‌وهمین دوکلمه‌موجب غضب‌خدا وپیغمبراو است وبالمآل موجب مجازات‌من وشما خواهدبود.

باید باکمال تاسف‌اقرارکنیم‌که نسبت‌بدین‌مقدس‌اسلام همه‌جفاکاریم، زیرا قرآن‌که نمی‌خوانیم دربی‌تحصیل علم‌دین‌که برنمی‌آئیم ـ امربمعروف و نهی‌از منکرهم ازمردم‌عالم‌ترك شده‌پس نسبت‌بتکالیف دین‌چه داریم؟ اگر۱۷ رکعت نمازهم میخوانیم واحیاناً یکماه‌روزه میگیریم‌آنهم از تقلیدکورکرانه پدرها و مادرهای قدیمی‌است‌که بدبختانه‌آن‌هم دربسیاری ازخانه‌هاموقوف‌شده‌ودیگرنماز وروزه‌هم‌بی‌چیده‌شده و آدم‌عاقل وفهمیده‌گرسنگی نمی‌خورد وبی‌فایده‌بلندوکوتاه نمی‌شود؟

خدایا بلطف‌وکرم خودمارا ازخواب غفلت‌بیدارکن وبدستور قرآن و رسول مکرمت توفیق‌عنایت فرما.

چرا واقعهٔ کربلا

لشکرمعاویه واردشد واطراف فرات‌را محاصره‌کرد واجازهٔ برداشتن آبرا به لشکرعلی(ع) نداد تاجائیکه رنج‌عطش در وخارلشکرآن حضرت‌هویداگردید دراین هنگام‌ارتش‌امیرالمومنین‌به‌اجازهٔ آن‌جناب بفرات حمله‌ورگردید وفرات را ازمحاصره‌لشکرمعاویه‌بیرون‌آوردند ولی برای آنکه عکس‌العملی دربرابر رفتارناجوانمردانه ارتش معاویه نشان بدهند به‌حضرت‌علی(ع) پیشنهاد کردند تافرمان صادر کندکه اجازهٔ برداشتن‌آب رابه‌لشکرمعاویه‌ندهند ودر نتیجه‌ارتش او دراثر تشنگی نیروی مقاومت رااز دست‌داده یااز‌هم پاشیده می‌شوند ویایك باره تسلیم‌می‌شوند.

آن‌حضرت درپاسخ افسران ارتش خود فرمود، لاکافیهم لمثل ماقعلوا افسحوالهم‌من‌الشریعه‌ـ‌من‌آنانرابمانندآن عملی‌که آنهاباما کردند مجازات‌نمی‌کنم آنهارا آزاد بگذاریدوآب فرات رادر اختیارآنها بگذارید. خوانندگان‌عزیز تا اینجامعلوم‌شدکه قوانین‌جنگی‌ونظامی اسلام‌کاملا جوانمردانه توأم باعواطف و انسانیت است. حالااجازه بفرمائیدتاریخ کربلا را ورق زنیم و ببینیم‌آیا وضع قوانین‌نظامی‌کربلامثل سایرغزوات‌بوده است‌یانه.

درجنگ صفین‌امیرالمومنین‌اجازه نمیدهدآبرا به‌روی لشکریان معاویه به‌بندنداما درواقعه کربلا ابن‌زیاددستور داده‌آب فرات‌بریهود وارامنه‌حتی‌سك‌و خوك مباح‌است اما قطره‌ای ازاین آب نباید طرف‌خیام‌حسین فرزند علی‌برود. پیغمبربرای ارتش مسلمین هنگام آمادهٔ حرکت‌فرموددراین‌جنگ‌متعرض‌بچه‌های شیرخوار نشویداما کربلاوقتی‌امام‌حسین آمدبرای علی‌اصغر شیرخواره‌آب‌بگیرد با حذنگ مسموم او را پاسخ دادند. امیرالمومنین درخطبه‌ای‌که برای‌ارتش خود قبل‌ازبرخورد بالشکر معاویه‌که قبلااشاره‌شد فرمود متعرض زنان‌بی‌پناه نگردیداماورواقعه کربلا چقدر زن‌وبچه امام‌حسین راتحت فشار وشکنجه قرار دادندتاجائیکه‌جرجی‌زیدان‌مورخ‌مسیحی مینویسد شهادت علی اصغر شیرخوار مظلومیت امام حسین رابه دنیا ثابت کرد.

نتیجه‌ای‌که ازاین بحث گرفته شد این‌بود درغزوات قوانین‌جنگی به‌صورت طبیعی‌بوده امادر غزوهٔ کربلاجنگ ضد انسانی‌بوده همین‌طور که قبلا اشاره شد پیغمبردستورفرموده‌بوددرجنگ‌موته‌بنائی راویران‌نکنیداماردرجنگ کربلاخیمه‌های بی‌سالاراهل‌بیت رابه‌آتش‌کشیدندواطفال معصوم‌راآواره بیابانها کردند.اگرکسی سئوال کند چراجنگ کربلا روز بروز شعله‌اش بیشتر می‌شودپاسخ میگوئیم‌چون جنگ‌کربلا طبیعی‌نبوده وضدانسانی‌بوده است.

چاپ اتحاد

تلفن ۳۰۴۷۳۲

برگهای تاریخی

حقوقی‌دارند».

آنهاامانتهای خدائی‌هستند که بشما سپرده شده‌اندبنابراین بایدباکمال مهربانی باآنهارفتار کنید».

درباره بردگان: متوجه باشیدکه آنهـا هم مـانند شما انسانند احساس و عاطفه دارند از همان خوراك و غذائی که خودتان صرف‌میکنیدبایدبآنها نیز بدهید از همان جامه هائی که میپوشید باید آنها را هم بپوشانید!

بدانیدکه هرمسلمانی‌برادر مسلمان‌دیگراست همه‌بایکدیگر مساوی و یکسانند وحقوق ووظائف‌همه یکسان‌است.

هیچ‌کدام از شما نبایدازبرادران دیگرچیزی‌بگیریدکه بدادن آن راضی نباشد ـ با خدمتگزاران خوش‌رفتاری کنید ـ معاش‌آنان‌راتأمین نمائید.

در پایان خطابه پیامبر خاتم(ص) دستهارابلندکرده و پرسید، آیاآنچه‌را خدابمن‌امرکرده انجام‌دادم؟ همه‌جمعیت گفتند، آری‌انجام‌دادی.

دراین سفرکه بنام (حجت‌الوداع) معروف‌شد محمد(ص) پس‌ازبازگشت از مکه بسوی‌مدینه‌درمحلی‌بنام (غدیر)همه حاجیان‌راجمع‌کردو علی(ع) را بولایت برگزید.

علی(ع)کی است؟

فرزندابوطالب یار رسول‌خدا(ص) اودرهنگام‌خطر و جانبازی مقدم برهمه بود و درشب هجرت مأمور شد در بستر محمد(ص) بخوابد تا مشرکان که قصد کشتن رسول‌را داشتند ازاین امر آگاه نشوند.

درجنگ‌احزاب تنهاداوطلب میدان نبرد وکارزار بامردی غول‌پیکر که از شجاعان عرب‌وبنام عمروبن‌عبدودموسوم بود، علی(ع) بودسختی‌جنگ‌بدرهم‌بردست و بازوی علی(ع) فشار آورد و درهمه جنگهامهاجم‌ومدافع و حافظ‌جان‌رسول خدا علی(ع) بود.

بعداز رحلت حضرت ختمی‌مرتبت (ص) ناگاه افکارو‌عقاید دستخوش تحول ودگرگونی گشت‌همه‌سوابق‌وفداکاری‌های علی(ع) در راه‌اسلام فراموش شد ودر این‌فترت‌ومبارزه درراه تفوق‌وجاه‌طلبی عده‌ای‌ازاعراب راه‌ارتداد وبازگشت‌به دوره‌جاهلیت را پیش گرفتند ـ مسیلمه‌که از دیرگاهی مدعی پیامبری بود مردم یمامه‌را دورخودجمع کرد ـ اسودعنسی‌در یمن دعوت نبوت‌کرد طلحه‌بن‌خویلد از طایفه‌بنی‌اسد که مردی‌کاهن بود قبایل غطفان رابنام‌رسالت بسوی خودآورد. اوضاع ازهرجهت‌بحرانی‌وفلتله‌آشوب ازهرسوی بوجود آورد ـ ابوسفیان‌در تلاشهای‌همه‌جانبه‌خود درافروختن‌آتش نفاق‌نقش‌بزرگی داشت. بالاخره‌ابوبکر خلیفه‌شد.

درهرحال بعداز رحلت رسول‌خدا قسمت مهم‌مردم‌جزیرة‌العرب مرتدشدند واز دین‌اسلام برگشتنداما هنوزگرمی‌و فروغ‌نبوت ومغناطیس ربانی‌آیات‌الهی‌و تضمین‌آسمانی‌قرآن‌که‌انانحن‌نزلنا‌الذکر وانالهٔ‌لحافظون دردلها ومغزها درجوش وخروش‌بود.

ابوبکر یازده‌لشکر برای سرکوبی مدعیان نبوت تهیه دید. خالدبن‌ولید مخزومی‌مامور جنگ با طلحه‌بن‌خویلد اسدی‌ومالك‌بن‌نویره‌شد عکرمه‌بن‌ابوجهل مخزومی بسوی‌نبرد با مسیلمهٔ‌بن‌شمامه حرکت‌کرد ـ مهاجربن‌ابوامیه مخزومی بجنگ اسودبن کعب‌رفت ـ خالدبن‌سعید بن‌العاص‌بن‌امیه بمرزشام روانه‌گشت ـ عمروبن‌عاص بطرف قضاعه روانه‌شد ـ حذیفهٔ‌بن‌محض علقشابی بجانب دبا از شهرهای‌عمان وعده‌ای دیگررابه‌بحرین ونقاط دیگرفرستاد تا آنکه جنگهای مرتدین‌پایان یافت.

آنگاه فتح عراق وشام موردتوجه قرارگرفت ومادرمیان‌سرداران‌وامیران سپاه ازگروه‌بنی‌هاشم کسی‌راپیدانمیکنیم واین عمل‌خود مقدمه‌برکناری‌بنی‌هاشم‌و علی(ع)وفرزندانش‌ازجریان‌امورسیاسی امت‌اسلام‌بوده‌است.

درزمان خلیفه‌دوم هم بنی‌هاشم از کارهای‌عمومی برکنار ماندند وبنی‌امیه برغالب‌امور مستولی‌شدند وآنها برای زبان‌بند وسکوت‌مردم به‌جعل‌حدیث در این‌باره پرداختندوگفتند،

شأن ومنزلت بنی‌هاشم‌وآل‌علی(ع) بالاتر از آنست‌که شاغل امور دنیا و صدقات‌باشند.

درعهد عمرحوزه‌اسلام گسترش‌یافت «سعدبن‌ابی‌وقاص» فاتح‌قادسیه‌بشمارآمد وبعد ازجنگ نهاوند درسال ۲۱ هجری پیروزی نصیب‌مسلمین‌شد وشام‌وفلسطین گشوده گردید وبعد ازآنکه‌بیت‌المقدس بدون‌جنگ‌تسلیم‌شد، کشور مصرکه‌سی‌سال پیش ازتولدمسیح‌در قلمرو روم‌درآمده بود مسلمون بفرماندهی عمروبن‌عاص به‌سهولت‌این سرزمین راکه قرنهافراعنه درآنجا دعوی خدائی نمودند متصرف شدند وحکومت‌های‌دست نشانده دراین مناطق‌که ازمظالم‌رومیان ناراحت‌بودند بآسانی‌تابعیت‌مسلمین‌را پذیرفتندعثمان بن‌عفان بن‌ابی‌العاص‌بن‌عبدشمس‌بن‌امیه ازخاندان‌بنی‌امیه‌بود ـ وقتی‌عمربضربت ابولولواز پای‌درآمد وحالش‌سخت‌شد ـ شورائی مرکب ازعلی‌ابن‌ابوطالب(ع)ـ عثمان‌بن‌عفان ـ سعدبن‌ابی‌وقاص‌عبدالرحمن بن‌عوف ـ زبیربن‌عوام ـ طلحه‌بن‌عبداله ـ عبداله فرزند خودش بدون اینکه حق انتخاب شدن‌را دارا باشند تشکیل داد عمرخلیفه‌دوم‌بدون هیچ‌مقدمه‌وتشریفاتی ازجانب ابوبکر بخلافت نامزدشده‌بوداما دراین‌بار بعدازپیش‌آمد سقیفه‌بنی‌ساعده تشکیل‌چنین شورائی‌هم ازنشن‌نفرکه‌در صورت اختلاف عبداله‌بن‌عمر باهرکدام طرف‌موافق‌باشد رأی‌آنان‌قاطع‌است‌روش دیگری‌درامرخلافت‌پدید آورد.

(عمر) مردوشورا بدون‌حضورطلحه تشکیل‌شد وبعد ازمذاکرات طولانی‌بنا بنقشه و تدبیر عبدالرحمن‌بن‌عوف‌که شرایطی رادرقبول‌امر خلافت قیدکرده بود. علی(ع) هیچ‌شرطی راجزکتاب‌خدا وسنت‌پیامبرنپذیرفت‌ازاین لحاظ‌خلافت باقبول شرط به عثمان واگذار شدودر ذیحجه‌سال۲۳هجری‌بعدازاستقرارعثمان بخلافت ازلحاظ‌نسبت‌خویشاوندی‌امویها بااو ودومان امیه‌در کار مسلمین‌صاحب اختیارمطلق شدند.

دوستی و عشق

نیست، ازخودت‌همی‌خواهم که‌مرا بخودت برسانی، وبوسیله‌تو برتودلیل می‌جویم، مرادرفروغ نورخویش‌بسوی‌خویش هدایت‌فرمای ومرابنام‌یك‌بنده‌صادق‌درپیشگاه خویش برپادار، خدای‌من‌ازعلم‌مخزون خویش‌بماموز و درپرده‌ی پناه دهنده خویش پناهم‌ده‌ـ الهی‌ازحقایق‌نزدیکان خود بهره‌ورم‌ساز وبراموررسم‌اصحاب‌حال وجذبه‌راهم بنمای.

پروردگارمن، درسایه‌تدبیرخودکه درامرمن‌داری مرا از هر چه تدبیر است بی‌نیازدار و باختیارخود از اختیارخودم غنی‌دار، و مرا بمراکز اضطرار وموضع‌احتیاجم‌واقف‌وآگاه‌گردان (تاهمیشه‌توجه‌داشته‌باشم‌که‌زندگی‌واحتیاجات زندگیم باتوقائم‌است، حیوبات‌راکه‌وسیلهٔ بقاء زندگیست تومی‌رویانی، آب‌راتو از ابرهانازل‌می‌کنی‌وو... وغیر توکسی‌قادرنیست‌که این‌ضروریات‌رابرطرف‌نماید و جواب‌احتیاجاتم‌رابدهد.

«امن یجیب‌المضطراذادعاه ویکشف‌السوء»

پروردگارمن، خشنودی وپسندتومقدس‌است ازاینکه‌اورا علتی از خودت باشد پس‌چگونه‌اورا علتی‌ازمن باشد، خدای‌من‌توبخودبی‌نیازی ازاینکه نفعی ازخودت بخودت‌برسد پس‌چگونه‌ازمن غنی‌نباشی.

پروردگارا، جریان‌تقدیردرموجودمن‌آرزوهای گوناگون‌بپروراندوهوسها بابندهای شهوت اسیرم سازند تو بمن یاری ده و توپارمن‌باش تامرا ازگرداب آرزوها بدرآوری وبندشهوت‌را ازدست‌وپای‌من‌بازکنی. توپارمن‌باش تابیاری‌تو چشم‌دل‌بگشایم.

توازفضل‌خویش‌بی‌نیازم‌ساز تادیگرگردطمع‌وطلب‌نگردم، ایتو هستی‌که انوار معرفت رادر دل دوستانت تابانده‌ی تاترا شناختند و بیگانگی ستایشت کردند، و این‌توئی‌که اغیار را ازچشم‌ودل‌دوستانت بدورمهرانی تاتنهاترابه‌بینند و ترابتنهائی دوست بدارند و جزدر پناه تو بهیچ‌ملجاء ومأوای‌دیگرنگریزند.

هنگامی‌که‌دروحشتکده‌ی زندگی‌تنهابمانند تو مونس آنها باشی. و این‌توئی‌که اولیائت رابسوی‌حق وحقیقت‌راهنمون‌باشی و راه‌را از بیراهه درپیش‌آشکارکنی. چه‌یافته‌است آنکس‌که‌ترا گم‌کرده و چه‌گم‌کرده آنکس‌که‌ترایافته‌است. آنکس که‌ترا بگذارد ودل‌بدیگری‌بسپارد هرگزروی‌سعادت‌نبیند وآنکه‌ازدرگاه‌توروی بدیگری آورد زیانکارباشد. چگونه‌توان‌ازتوامید برداشت و بامید غیرتونشست درصورتیکه‌توهرگز احسانت‌رابازنداشتی و چطورمیشود بغیرتوروی‌آورد و از غیر تو حاجت‌خواست و توهمچنان بشیوهٔ خود عطابخش باشی.ـ ای‌که‌به‌دوستان حلاوت‌الفت‌وانس بچشانی وگذاری‌که‌درپیشگاه توبه‌توقع و تمنابرخیزند و باتو ازآنچه‌خواهندسخن‌گویند.

ای‌که‌بپوشانی‌براولیاءخویش لباس‌هیبت‌خودرا تابدرگاه‌توتضرع والتماس آورند وپوزش‌ومغفرت‌خواهند. توئی‌که‌یادمی‌کنی‌پیش‌ازآنکه یادت‌کنند. توئی‌که باحسان‌سبقت‌جوئی پیش‌ازتوجه‌پرستندگان، توآن‌جوادکریم‌باشی‌که نخواسته‌همی بخشی و ناطلبیده‌همی‌دهی. توآن‌منبع‌موهبت و مرحمت هستی‌که پرمی‌بخشی سپس آنچه‌خودبما بخشیدی ازما قرض می‌خواهی.

پروردگارمن، ازدر رحمت‌مرابخواه تابنعمت‌وصال تودست‌یابم ومرابربا بمن‌وکرم خودت‌تازه‌صفت هوای‌توپروازکنم وبسوی‌توبشتابم. خدای‌من، امیدم هرگز ازکرم‌تو فرونماند هرچندکه‌نافرمانیت‌کنم همچنانکه‌ترس‌من‌ازغضب‌وقهر توبرکنارنگردد هرچندتراعبادت و اطاعت‌آورم.ـ کشمکش‌حوادث‌مرابسوی تو میراند وآن‌علم‌واطمینان‌که ازکرم‌تودارم دست‌دربوزگی مرا بدرگاه توکشاید، خدای‌من‌چگونه‌نامیدشوم درحالیکه‌توآرزوی‌منی یاکه‌چطوربست و فرومایه‌بشوم درحالیکه بر توتکیه‌زده‌ام‌و توکل‌نموده‌ام، خدای‌من، چگونه‌خودرا عزیزومقتدر شمارم‌درحالیکه‌در خواری‌وضعف‌متمرکزم‌نموده‌ی و احتیاج سراپا وجودم را فرا گرفته وچراخودراعزیزو مقتدربشمارم‌درحالی‌که بخودت‌نسبتم‌دادی و مرابنده‌و آفریده‌خودشمردی.

الهی‌چگونه‌فقیرنباشم که مرادرصف‌فقراء قرارداده‌ای‌وباچگونه‌فقیر باشم درحالیکه این‌توهستی‌که‌بجود و بخشش‌خود مرابی‌نیازمی‌کنی و توئی‌که غیر تو پروردگاری‌نیست.ـ بکائنات‌خویشتن‌را نمایانده‌ای‌و درکائنات ذره‌ای نیست‌که ترا نداند وترانشناسد. و این‌توئی‌که‌خودرا درهرچیز بمن‌شناسانده‌ای تادیدم‌ترا آشکارا درهمه‌چیز، وتوئی‌که‌برهرچیز جلوه‌مداری، ای‌که درحضرت رحمانیت خویش‌استقرار یافته وعمرمردر ذاتش‌پنهان‌گشته‌است، آثاررا به‌آثارپوشاندی، و نابودکردی اغیار رابمحیط‌های‌افلاك‌انوار.ای‌که نهانست درسراپرده‌های عرش خود از اینکه چشمها اورابه‌بینند، ای‌که‌بکمال‌بهاء خود تجلی‌کرده و عظمتش محقق‌شده‌از استواری.

چطوربنهان‌باشی و توآشکاری‌و چطورغایب‌باشی و تومراقب و حاضری زیراتو برهرچیزتوانائی‌وحمدوثنا خدای‌واحدراسزاست.

پایان

اکرام مسلمان

رسول‌خدا (ص) فرموده است:

هـرکس برادر مسلمان خـود را اکرام‌کند اگر چه بیك‌کلمه‌که از آن بوی لطف‌آید وغم او را زایل سازد، همیشه درسایه رحمت خداوندی‌خواهد بود ورحمت خداوندی شامل‌وی‌خواهد شد مادام‌که براین سیره‌نیکوباشد.

در مذمت عجب وخودخواهی

وجه‌بساخوشرویان و خوشگلان‌که‌به‌تغیر صورت وجمال مبتلاشدند چه اینهاهمه موقت‌وکم مدتست، چیزیکه باقی‌ودمام است‌اخلاق خوب و اوصاف پسندیده و فروتنی وتواضع.

خوبست‌اشخاصی‌که دارای‌این‌صفت هستندقدری‌درخودبهاندیشند ونظربخود کنند وبقول‌شاعر دقت در احوال‌خویش کنندکه‌گفته‌است،

(گوشت‌پاره آلت‌گویای تو
بهه پاره منظر بینای تو

مسمع‌توآن دوپاره‌استخوان
مدرکت‌دوقطره‌خون‌یعنی‌جنان

کرمکی و ازقذرآکنده‌ای
طمطراقی‌درجهان‌افکنده‌ای

از منی‌بودی‌معنی راواگذار
ای‌ایاز‌از پوستینت یادآر)

راستی چرا در خود نمی‌نگریم و نمی‌خواهیم بفهمیم چه بوده وبعداً چه خواهیم‌شد. این‌انسان شریف‌وباحسن و جمال و علم و کمال وتخصص و اشتهار عاقبت‌چه می‌شود؟

دیگران‌که بدرجات اعلارسیده و بمقامات‌عالیه‌نایل‌گردیده ومشهورخاص وعام قرارگرفته و زندگانی آنها در تواریخ‌نگارش یافته بکجا رفتند وچه شدندکه این‌زمان یکی ازآنهاهم برای نمونه یافت نمی‌شود ـ پس توکه ازهر جهت دررجه‌صفری چه توقع‌وانتظاری ازمردم‌داری ـ چراعجب می‌ورزی‌وتکبر میفروشی ودرسلام بمردم مسلمان‌پرهیز داری و بجواب سلام دهنده بادبغیمب می‌اندازی وباسنگینی‌وبی‌اعتنایی‌جواب می‌دهی‌ـ خم ازابروبردار وبادنخوت‌از دماغ‌خارج‌ساز وبامردم مسلمان‌همرنك ویکدواخت شو ـ خداوند عاقبت همه‌را ختم‌بخیرفرماید.